

پایش اندیشه

گفتگو با محمدحسین فرجو

در این شماره، میزبان تلفنی محمد حسین فرجو، دبیر شورای نظارت بر اسباب بازی، بودیم. وی مدتی را به عنوان کارشناس مسئول برنامه‌ریزی آموزش هنر در وزارت آموزش و پرورش بوده و نیز با سمت نماینده وزارت آموزش و پرورش در وزارتخانه‌ها، فعالیت می‌کرده است. تدریس در دانشگاه و تالیف کتاب‌هایی در زمینه هنر، از دیگر فعالیت‌های او است.

آنچه در ادامه می‌خوانید، مصاحبه‌ی پایش با ایشان در موضوع «اسباب بازی» است که موضوعات مختلفی از جمله «تأثیر اسباب‌بازی در شکل‌گیری سبک زندگی کودکان و انتقال فرهنگ و ارزش‌ها»، «تهادهای دخیل در این موضوع»، «تناسب یا عدم تناسب اسباب بازی‌های موجود با فرهنگ و مذهب ایرانیان»، «شاخه‌های اصلی اسباب بازی مطلوب»، «اقدامات شورای نظارت بر اسباب بازی» و... در آن مورد توجه قرار گرفته است.



پایش: موضوع این شماره پایش درباره تأثیر اسباب‌بازی در سبک زندگی است. از شما به‌عنوان دبیر شورای نظارت بر اسباب‌بازی خواهش می‌کنم ابتدا مقدمه‌ای درباره تأثیر اسباب‌بازی در شکل‌گیری سبک زندگی کودکان و انتقال فرهنگ و ارزش‌ها بفرمایید:

اسباب‌بازی به‌عنوان یک کالای فرهنگی در مراحل رشد کودک تأثیر بسزایی دارد. در ارتباط با تعامل کودک با محیط اطراف و شناخت او نسبت به جهانی که در آن زندگی می‌کند و آنچه که باید برای زندگی آینده در مراحل رشدش فراگیرد؛ این انتقال مفاهیم صورت می‌گیرد. از جمله یکی از مواردی که اهمیت بسیاری دارد موضوع فرهنگ، آداب و رسوم، سنن و اعتقادات و مجموعه‌ای که کودک در آنجا زندگی می‌کند است؛ یعنی محیطی که سرشار از همه این اتفاقات است. یقیناً اسباب‌بازی و سرگرمی‌ای که برگرفته از فرهنگ زندگی و فرهنگ بومی آن کودک باشد، می‌تواند به او کمک کند تا این موضوعات در زندگی او ملکه شود و بنیان و ریشه‌اش محکم‌تر و سفت‌تر در نهاد او ایجاد شود و تأثیرات خودش را داشته باشد. یقیناً اسباب‌بازی‌هایی که با فرهنگ و سبک زندگی او مغایرت دارند می‌توانند آرام آرام در سبک زندگی، مرام و ارزش‌ها و اعتقادات او تأثیر بگذارند. همان‌طور که امروزه می‌بینید وقتی یک عروسک از سرزمینی وارد سرزمین دیگر می‌شود، نوع پوشش، آرایش، نگاه به جهان و جهان‌بینی آن سرزمین را نیز به‌همراه دارد. مثل این‌که این عروسک مروج فرهنگی باشد یا زن را به‌عنوان ابزار در جامعه معرفی کند یا نگاه زن به تجملات و مصرف و این‌گونه مسایل را شکل دهد که با فرهنگ آن جامعه مغایرت داشته باشد. نمونه‌هایی از این مسئله را در کشور ژاپن مشاهده می‌کنیم که وقتی عروسکی وارد آن جامعه می‌شود، جامعه را نسبت به پوشش آن عروسک تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و نوع پوشش سنی ژاپن، لباس‌هایی را که مرسوم است و یا سبک زندگی از نظر خورد و خوراک و پوشاک و معماری و مسکن عوض می‌کند؛ مانند این‌که یک فرد بخواهد هر سال ماشین، خانه و لباس‌های خود را عوض کند. این موارد می‌توانند مغایرت‌ها را

به‌راحتی نشان دهند. کشور ما نیز با توجه به دین و سبک زندگی خاص اسلامی-ایرانی می‌تواند در مقابل اسباب‌بازی‌هایی که از بیرون وارد می‌شود، مورد تهاجم قرار گیرد.

پایش: اسباب‌بازی را باید از مقوله موضوعات فرهنگی قلمداد کرد، چه نهادهایی در این امر دخیل هستند و چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند؟

همان‌طور که می‌دانید موضوعات فرهنگی، موضوعات زود بازده نیستند و زمان می‌برد تا تأثیر خویش را بر جای بگذارند. بنابراین نباید انتظار داشته باشیم که در مدت یکی دو سال آن تأثیرات را متوجه شویم؛ بلکه گاهی باید یک دهه بگذرد. به همین خاطر است که شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به موضوع اسباب‌بازی و واردات آن که به کشور ممنوع بوده حساسیت داشته است؛ از این بابت که ما کودکان خود را از اسباب‌بازی‌های خوبی که در دنیا تولید می‌شود و بعضاً مغایرت با فرهنگ ما هم ندارد محروم نکنیم و همچنین از ورود اسباب‌بازی‌هایی که می‌تواند تأثیرگذاری منفی داشته باشد جلوگیری کنیم. سازمان استاندارد با استاندارد ۶۲۰۴ که از سال ۸۲ اجباری شده است و شورای نظارت نیز با واحدهای صدور مجوزی که در جنوب کشور (بوشهر، هرمزگان و خوزستان) دارد و واحد تهران که بقیه گمرکات خارج از آن سه استان را پاسخ‌گو است این نظارت و کنترل را دارا هستند. اما علی‌رغم همه تلاش‌هایی که شورای نظارت انجام می‌دهد متأسفانه شاهدیم که از مسیرهای قاچاق، اسباب‌بازی غیرفهرنگی و متعارض با فرهنگ ما وارد کشور می‌شود و آن کنترل و نظارتی که بر سطح بازار باید وجود ندارد. با توجه به این‌که تقریباً هشت دستگاه نظارتی در کشور داریم از ستاد مبارزه با کالای قاچاق گرفته تا تعزیرات حکومتی، ناجا، اماکن، سازمان حمایت از مصرف‌کننده و دستگاه‌های دیگر. متأسفانه اتحادیه مربوطه‌ای که در توزیع و فروش اسباب‌بازی می‌تواند نقش ایفا کرده و بازرسی و کنترل کند کار خود را به‌درستی انجام نمی‌دهد. معتقدیم که به‌صورت مقطعی و مانوری نمی‌توان این نظارت را انجام داد؛ بلکه

پایش: اسباب‌بازی‌ای وجود دارد که سبک زندگی ملی ما را به کودکان انتقال دهد؟

بله! وجود دارد؛ منتهی نه به حد وفور. بحث تولید اسباب‌بازی داخلی حساسیت بالایی دارد و درباره برخی از آن‌ها مانند عروسک‌ها تأثیرات فرهنگی بسیار زیاد است. سرگرمی‌هایی که در داخل کشور تولید می‌شوند برخی از تولیدکنندگان به این حوزه نگاه محتوایی دارند که بعضی از اطلاعات و آگاهی‌ها نسبت به یک شهروند خوب را در کودکان ایجاد کرده و نهادینه کنند. سرگرمی‌هایی را به صورت کارت بازی، گیم‌بورد و یا شکل‌های دیگر درست کرده‌اند تا این حوزه‌ها را تقویت کنند. این‌ها در حوزه‌های آموزشی و کمک آموزشی مطرح است. در حوزه‌های فرهنگی چنین تلاش‌هایی وجود دارد؛ مثلاً در کرمان عروسک سروناز را داریم، این عروسک، گیوه به پا دارد، گیوه‌ای که بافته شده است. لباس آن یک لباس ترمه با جلیقه‌ای روی آن است و تمام هنر نساجی‌ای که در کرمان، در مورد تولید پوشاک آن منطقه استفاده می‌شود روی این عروسک دیده می‌شود.

شما عروسک‌های شکرستان را در نظر بگیرید. وقتی انیمیشن شکرستان توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی کار شده و پخش می‌شود و وقتی کودکان با اسکندر و شخصیت‌های دیگر آن انیس می‌گیرند، در نمایشگاه‌ها دختر و پسر در سنین مختلف حتی بزرگسال به سمت این عروسک می‌رود و آن را می‌خرد.

یکی از کارهای ابتری که در کشور ما انجام می‌شود این است که بر روی یک قسمت زوم می‌کنند و فقط به آن می‌پردازند در حالی که در اروپا و آمریکا وقتی انیمیشنی را تولید می‌کنند - که شاید معادل بودجه وزارت ارشاد ما برای آن خرج کرده باشند - تنها به آن اکتفا نمی‌کنند و انیمیشن را برای دنیا تولید کرده و بعد عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌های آن را خلق می‌کنند و هم‌زمان بر روی

واردکنندگان خوب از این مسیر جلو برویم و این‌ها به صف شوند و پرچم را در دستان خود بگیرند. این برای واردکننده نیز باعث اعتبار است و مردم فعالیت‌های دلسوزانه و براساس ضوابط وی را می‌بینند و رضایت آنان نیز جلب می‌شود. باید این مسایل را ماندگار کنیم تا واردکننده احساس کند که اگر زحمتی می‌کشد و در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کند به هدر نرفته و جایی برای معرفی او و محصولاتش وجود دارد.

مواردی وجود دارد که واردکننده می‌گوید من حقوق دولت را پرداخت می‌کنم، شرایط و ضوابط را رعایت می‌کنم و منظم و مرتب کارم را انجام می‌دهم ولی عده‌ای قاچاق می‌کنند. این موضوعات را باید نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با کالای قاچاق پیگیری کرده و راه ورود آن را ببندند. اگر اراده این کار وجود داشته باشد جلوی ورود کالاهای قاچاق از جمله اسباب‌بازی قاچاق گرفته خواهد شد. ^{منظله‌عالی} در ارتباط با قاچاق نیز سخن گفتند؛ در مورد قاچاق همه انواع کالا که می‌تواند مملکت را دچار فلج کند و تولیدی‌های را مختل کند صحبت شده است و فقط مختص به اسباب‌بازی نیست. اگر دستگاه‌های نظارتی اراده این کار را داشته باشند، قانون کم نداریم. قانون پیش‌گیری قاچاق اسباب‌بازی، مصور است و امضای رئیس جمهور پای آن است و وقتی چنین قوانینی در دسترس است نباید معضل عملکرد داشته باشیم و باید طبق مفاد قانونی که وجود دارد عمل شود.

مثلاً در کرمان عروسک سروناز را داریم، این عروسک، گیوه به پا دارد، گیوه‌ای که بافته شده است. لباس آن یک لباس ترمه با جلیقه‌ای روی آن است و تمام هنر نساجی‌ای که در کرمان، در مورد تولید پوشاک آن منطقه استفاده می‌شود روی این عروسک دیده می‌شود.

واردکنندگان خوب از این مسیر جلو برویم و این‌ها به صف شوند و پرچم را در دستان خود بگیرند. این برای واردکننده نیز باعث اعتبار است و مردم فعالیت‌های دلسوزانه و براساس ضوابط وی را می‌بینند و رضایت آنان نیز جلب می‌شود. باید این مسایل را ماندگار کنیم تا واردکننده احساس کند که اگر زحمتی می‌کشد و در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کند به هدر نرفته و جایی برای معرفی او و محصولاتش وجود دارد.

مواردی وجود دارد که واردکننده می‌گوید من حقوق دولت را پرداخت می‌کنم، شرایط و ضوابط را رعایت می‌کنم و منظم و مرتب کارم را انجام می‌دهم ولی عده‌ای قاچاق می‌کنند. این موضوعات را باید نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با کالای قاچاق پیگیری کرده و راه ورود آن را ببندند. اگر اراده این کار وجود داشته باشد جلوی ورود کالاهای قاچاق از جمله اسباب‌بازی قاچاق گرفته خواهد شد. ^{مذله‌العالی} در ارتباط با قاچاق نیز سخن گفتند؛ در مورد قاچاق همه انواع کالا که می‌تواند مملکت را دچار فلج کند و تولیدی‌های را مختل کند صحبت شده است و فقط مختص به اسباب‌بازی نیست. اگر دستگاه‌های نظارتی اراده این کار را داشته باشند، قانون کم نداریم. قانون پیش‌گیری قاچاق اسباب‌بازی، مصور است و امضای رئیس جمهور پای آن است و وقتی چنین قوانینی در دسترس است نباید معضل عملکرد داشته باشیم و باید طبق مفاد قانونی که وجود دارد عمل شود.

پایش: اسباب‌بازی‌ای وجود دارد که سبک زندگی ملی ما را به کودکان انتقال دهد؟

بله! وجود دارد؛ منتهی نه به حد وفور. بحث تولید اسباب‌بازی داخلی حساسیت بالایی دارد و درباره برخی از آن‌ها مانند عروسک‌ها تأثیرات فرهنگی بسیار زیاد است. سرگرمی‌هایی که در داخل کشور تولید می‌شوند برخی از تولیدکنندگان به این حوزه نگاه محتوایی دارند که بعضی از اطلاعات و آگاهی‌ها نسبت به یک شهروند خوب را در کودکان ایجاد کرده و نهادینه کنند. سرگرمی‌هایی را به‌صورت کارت

یقیناً اسباب‌بازی و سرگرمی‌ای که برگرفته از فرهنگ زندگی و فرهنگ بومی آن کودک باشد، می‌تواند به او کمک کند تا این موضوعات در زندگی او ملکه شود و بنیان ریشه‌اش محکم‌تر و سفت‌تر در نهاد او ایجاد شود و تأثیرات خودش را داشته باشد. یقیناً اسباب‌بازی‌هایی که با فرهنگ و سبک زندگی او مغایرت دارند می‌توانند آرام آرام در سبک زندگی، مرام و ارزش‌ها و اعتقادات او تأثیر بگذارند.

بازی، گیم‌پورد و یا شکل‌های دیگر درست کرده‌اند تا این حوزه‌ها را تقویت کنند. این‌ها در حوزه‌های آموزشی و کمک آموزشی مطرح است. در حوزه‌های فرهنگی چنین تلاش‌هایی وجود دارد؛ مثلاً در کرمان عروسک سروناز را داریم، این عروسک، گیوه به پا دارد، گیوه‌ای که بافته شده است. لباس آن یک لباس ترمه با جلیقه‌ای روی آن است و تمام هنر نساجی‌ای که در کرمان، در مورد تولید پوشاک آن منطقه استفاده می‌شود روی این عروسک دیده می‌شود.

شما عروسک‌های شکرستان را در نظر بگیرید. وقتی انیمیشن شکرستان توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی کار شده و پخش می‌شود و وقتی کودکان با اسکندر و شخصیت‌های دیگر آن انس می‌گیرند، در نمایشگاه‌ها دختر و پسر در سنین مختلف حتی بزرگسال به سمت این عروسک می‌رود و آن را می‌خرد.

یکی از کارهای ابتری که در کشور ما انجام می‌شود این است که بر روی یک قسمت زوم می‌کنند و فقط به آن می‌پردازند در حالی که در اروپا و آمریکا وقتی انیمیشنی را تولید می‌کنند - که شاید معادل بودجه وزارت ارشاد ما برای آن خرج کرده باشند - تنها به آن اکتفا نمی‌کنند و انیمیشن را برای دنیا تولید کرده و بعد عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌های آن را خلق می‌کنند و هم‌زمان بر روی



کار بسیار دشواری است و ما نمی‌خواهیم مثل شب‌نم شود؛ چون مطالعات ما قبل از شب‌نم بوده ولی به ما گفتند شما انجام ندهید و بگذارید طرح شب‌نم بیاید. خود من ۱۷ ایراد به طرح شب‌نم گرفتیم و ابلاغ کرده‌ام و گفته‌ام که اگر این آفت‌ها را شناسایی نکنید و رعایت نکنید طرح‌تان زمین می‌خورد. در رابطه با هولوگرام‌های اسباب‌بازی‌های خارجی و وارداتی با احتیاط جلو می‌رویم تا کاری ماندگار باشد و نمی‌خواهیم کاری انجام دهیم که یک هفته یا دو هفته دوام بیاورد؛ بلکه با یک برنامه‌ریزی درست و با هویت دادن به واردکنندگان و شناسایی

پایش: شما فرمودید که می‌خواهید برچسب‌هایی را آماده کرده و طبق کد ثبت‌نام کنید. آیا با این کار دوباره دچار این دور نمی‌شویم که در خوداظهاری‌ها کسی ناظر نیست و برخی از این طریق شما را دور می‌زنند؟

من از ریاست شورا تقاضا کردم که برای این حوزه‌ی نظارتی، از سمت شورای نظارت هم بودجه‌ای مقرر شود. واقعیت امر این است که ما مسئولیت حضور در بازار را نداریم؛ اما علی‌رغم این موضوع ما احساس مسئولیت داریم و نمی‌توانیم منتظر بمانیم که دیگران کار نکنند. به همین خاطر ما از ریاست شورا آقای حاجیان‌زاده که مدیر عامل کانون است تقاضا کردیم و در برنامه بودجه این را گنجاندیم که ما نیز از سمت خود بودجه‌ای برای این کار بگذاریم تا بتوانیم این مسئله را هدایت کنیم؛ یعنی همین هشت دستگاهی را که دورهم جمع کرده‌ایم همه به اتفاق پذیرفتند که این کار باید انجام شود ولی متاسفانه نشده است. حتی برخی از بخش‌ها فرصت می‌خواستند؛ اما برخی دوستان دیگر گفتند که چقدر دیگر فرصت می‌خواهید؟ از سال ۱۳۸۱ واردات شروع شده و تا به حال چه می‌کردید که فرصت می‌خواهید و چه کاری می‌خواهید انجام دهید؟ باید بازرسی از روز اول انجام می‌گرفته ولی نشده است.

موضوع هولوگرام شورای نظارت بر اسباب‌بازی روی تولیدات داخلی مدتی است که جاری و ساری شده است و تولیدکنندگان هولوگرام خود را می‌گیرند که بر روی آن، شماره گواهی‌نامه آنان وجود دارد. آنان وقتی این شماره را به سامانه ۳۰۰۰۷۴۰۱۰ می‌فرستند، شناسنامه این اسباب‌بازی مانند شناسنامه کتاب به موبایل آنان به‌صورت خودکار ارسال می‌شود و تیراژ، نوبت تولید، نام سرگرمی آنان و تمام مختصات آن را بیان می‌کند. روز به‌روز نیز این آیت‌ها افزایش پیدا می‌کنند و حجم اطلاعاتی که در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهد بیشتر می‌شود. شورای فرهنگ عمومی کشور در مصوبه‌ای از شورای نظارت بر اسباب‌بازی خواسته که اسباب‌بازی‌های وارداتی را هم شناسنامه‌دار کند.

بازی، گیم‌بورد و یا شکل‌های دیگر درست کرده‌اند تا این حوزه‌ها را تقویت کنند. این‌ها در حوزه‌های آموزشی و کمک آموزشی مطرح است. در حوزه‌های فرهنگی چنین تلاش‌هایی وجود دارد؛ مثلاً در کرمان عروسک سروناز را داریم، این عروسک، گیوه به پا دارد، گیوه‌ای که بافته شده است. لباس آن یک لباس ترمه با جلیقه‌ای روی آن است و تمام هنر نساجی‌ای که در کرمان، در مورد تولید پوشاک آن منطقه استفاده می‌شود روی این عروسک دیده می‌شود.

شما عروسک‌های شکرستان را در نظر بگیرید. وقتی انیمیشن شکرستان توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی کار شده و پخش می‌شود و وقتی کودکان با اسکندر و شخصیت‌های دیگر آن انس می‌گیرند، در نمایشگاه‌ها دختر و پسر در سنین مختلف حتی بزرگسال به سمت این عروسک می‌روند و آن را می‌خرند.

یکی از کارهای ابتری که در کشور ما انجام می‌شود این است که بر روی یک قسمت زوم می‌کنند و فقط به آن می‌پردازند در حالی که در اروپا و آمریکا وقتی انیمیشنی را تولید می‌کنند - که شاید معادل بودجه وزارت ارشاد ما برای آن خرج کرده باشند - تنها به آن اکتفا نمی‌کنند و انیمیشن را برای دنیا تولید کرده و بعد عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌های آن را خلق می‌کنند و هم‌زمان بر روی

در ارتباط با قاچاق نیز سخن گفتند؛ در مورد قاچاق همه انواع کالا که می‌تواند مملکت را دچار فلج کند و تولیدی‌های را مختل کند صحبت شده است و فقط مختص به اسباب‌بازی نیست. اگر دستگاه‌های نظارتی اراده این کار را داشته باشند، قانون کم نداریم. قانون پیش‌گیری قاچاق اسباب‌بازی، مصور است و امضای رئیس جمهور پای آن است و وقتی چنین قوانینی در دسترس است نباید معضل عملکرد داشته باشیم و باید طبق مفاد قانونی که وجود دارد عمل شود.

واردکنندگان خوب از این مسیر جلو برویم و این‌ها به صف شوند و پرچم را در دستان خود بگیرند. این برای واردکننده نیز باعث اعتبار است و مردم فعالیت‌های دلسوزانه و براساس ضوابط وی را می‌بینند و رضایت آنان نیز جلب می‌شود. باید این مسایل را ماندگار کنیم تا واردکننده احساس کند که اگر زحمتی می‌کشد و در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کند به هدر نرفته و جایی برای معرفی او و محصولاتش وجود دارد.

مواردی وجود دارد که واردکننده می‌گوید من حقوق دولت را پرداخت می‌کنم، شرایط و ضوابط را رعایت می‌کنم و منظم و مرتب کارم را انجام می‌دهم ولی عده‌ای قاچاق می‌کنند. این موضوعات را باید نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با کالای قاچاق پیگیری کرده و راه ورود آن را ببندند. اگر اراده این کار وجود داشته باشد جلوی ورود کالاهای قاچاق از جمله اسباب‌بازی قاچاق گرفته خواهد شد. ^{منظله‌العالی} در ارتباط با قاچاق نیز سخن گفتند؛ در مورد قاچاق همه انواع کالا که می‌تواند مملکت را دچار فلج کند و تولیدی‌های را مختل کند صحبت شده است و فقط مختص به اسباب‌بازی نیست. اگر دستگاه‌های نظارتی اراده این کار را داشته باشند، قانون کم نداریم. قانون پیش‌گیری قاچاق اسباب‌بازی، مصور است و امضای رئیس جمهور پای آن است و وقتی چنین قوانینی در دسترس است نباید معضل عملکرد داشته باشیم و باید طبق مفاد قانونی که وجود دارد عمل شود.

پایش: اسباب‌بازی‌ای وجود دارد که سبک زندگی ملی ما را به کودکان انتقال دهد؟

بله! وجود دارد؛ منتهی نه به حد وفور. بحث تولید اسباب‌بازی داخلی حساسیت بالایی دارد و درباره برخی از آن‌ها مانند عروسک‌ها تأثیرات فرهنگی بسیار زیاد است. سرگرمی‌هایی که در داخل کشور تولید می‌شوند برخی از تولیدکنندگان به این حوزه نگاه محتوایی دارند که بعضی از اطلاعات و آگاهی‌ها نسبت به یک شهروند خوب را در کودکان ایجاد کرده و نهادینه کنند. سرگرمی‌هایی را به‌صورت کارت

خاص هستند. پسرخاله با کلاه قرمزی فرق می‌کند، کلاه قرمزی با فامیل دور فرق می‌کند. هر کدام از آنان دارای علایق و سلایقی خاص بودند و این مسئله به دل بچه می‌نشیند و هم‌ذات‌پنداری می‌کند. رفتار عروسک پسرخاله با دیگران این است که به آنان کمک می‌کند و دلسوز است. این را دقیقاً با حدیث پیامبر ﷺ که اشاره می‌کند: «کسی که صبح کند و به فکر همسایه‌اش و دیگران نباشد، اصلاً مسلمان نیست.» منطبق کنید. در احادیث تئوری‌هایی زیادی وجود دارد که نحوه انتقال و در عمل آوردن آن‌ها مهم است.

علی ﷺ اشاره می‌کند که نکند زمانی بیاید که کافران و دشمنان ما در اخلاق و منش و رفتار از ما پیشی بگیرند؛ یعنی درباره همان چیزهایی که ما باید عمل می‌کردیم عقب بیفتیم. همین را در جامعه امروز ما نگاه کنید و ببینید چقدر فاصله داریم؛ مثلاً این که طلاق از ازدواج دارد پیشی می‌گیرد. چه بلایی سر ما آمده است که دختر و پسر ما سه ماه نمی‌توانند در کنار هم زندگی کنند و طلاق می‌گیرند. آمار طلاق بالا رفته و در مسائل دیگر نیز به همین گونه است و مانند موربانه درون بدنه جامعه ما را می‌خورد. من عبارت‌های دشمنان غربی را که می‌خواندم در بعضی از جملات و کتاب‌ها اشاره می‌کردند که فکر نکنید ما مانند فیل‌های رام‌شده در خیابان‌های شما تهاجم می‌کنیم، ما موربانه‌هایی هستیم که تک تک خانه‌های شما را می‌بلعیم.

اخیراً جلسه‌ای در صدا و سیما درباره حوزه بازی‌های رایانه‌ای برگزار شد و قرار بر این بود که تصمیماتی اتخاذ شود. ما در آن جلسه گفتیم: «آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟» ۲۲ سال پیش آیین‌نامه اجرایی گیم‌نت‌ها را وزیر وقت وزارت ارشاد امضا کرده و تمام مواد را آنجا آورده‌اند ولی هیچ‌کاری انجام نشد و در آخر گیم‌نت‌ها را به اتحادیه لوازم ورزشی واگذار کردند. اتحادیه لوازم ورزشی چه سرشته‌ای در این‌باره دارد و یا می‌تواند داشته باشد؟ پیش‌تر اشاره می‌کردم که وقتی آخر یکی از بازی‌های رایانه‌ای به لیست کسانی که در طراحی آن بازی تأثیرگذار بودند نگاه می‌کنید؛ دویست تا اسم از جلوی چشم شما می‌گذرد. میلیاردها دلار هزینه

وقتی آخر یکی از بازی‌های رایانه‌ای به لیست کسانی که در طراحی آن بازی تأثیرگذار بودند نگاه می‌کنید؛ دویست تا اسم از جلوی چشم شما می‌گذرد. میلیاردها دلار هزینه شده است تا این بازی را بسازند. آنان این بازی‌ها را ساخته‌اند تا در دنیا بتوانند «سبک زندگی» را مورد هدف قرار دهند.

تی‌شرت و لیوان و لوازم‌التحریر بچه‌ها کار کرده و یک گردش مالی بالا را ایجاد می‌کنند.

ما نیز در ضمن این که فرهنگ خودی را ایجاد، تقویت و نشر دهیم، می‌توانیم سودآوری داشته باشیم. عروسک جناب خان که آقای رامبد جوان در برنامه خود از آن استفاده کرده است قبلاً در بخش خصوصی و ویدئوهای خانگی پخش شده بود. این عروسک مدت‌ها روی آنتن است؛ ولی اصلاً به دنبال ثبت آن در شورای نظارت نیامده بودند و با این حال که این عروسک از یک عروسک خارجی در یک برنامه تلویزیونی اقتباس شده است باز می‌توانست ثبت شود. این عروسک یک ماه است که ثبت شده ولی خیلی دیر است. دیگران روی این موج سوار شده‌اند و تازه تهیه‌کننده و صاحب اثر متوجه شده‌اند که هیچ‌کاری نکرده‌اند و تمام حواس‌شان به برنامه بوده است.

پایش: این احساس پیش می‌آید که وقتی بحث آموزش را با یک عروسک پیش می‌گیریم، بحث اقتصادی آن را کنار می‌گذاریم و یا وقتی بحث اقتصادی را می‌گیریم آموزش را کاملاً کنار می‌گذاریم. این دو بال را کنار یکدیگر نمی‌توانیم پیش ببریم.

توجه کنید مثلاً عروسک دارا و سارا، اگر پیوسته‌های فرهنگی این عروسک به گونه‌ای رقم خورده بود که این سارا دارای چه اخلاقی است و یا دارا چه منشی دارد؟ دیالوگ و گفت‌وگو اش چیست؟ خیلی تأثیرگذار و منشأ اثر بود. همه عروسک‌های آقای طهماسب دارای یک خصلت

شده است تا این بازی را بسازند. آنان این بازی‌ها را ساخته‌اند تا در دنیا بتوانند «سبک زندگی» را مورد هدف قرار دهند.

کودک ما وقتی در یکی از بازی‌های رایانه‌ای در جایگاه یک سرباز آمریکایی بازی می‌کند، همه‌گونه لوازم و ادوات دارد در حالی که در طرف مقابل، تروریست‌ها همگی فقیر، بدبخت و پا برهنه‌اند و مثلا اگر به فرمانده خود بگویند من خسته شده‌ام فرمانده به او دمپایی می‌دهد؛ ولی سرباز آمریکایی وقتی ابراز خستگی کند می‌گویند الان هلی‌کوپتر تو را سوار می‌کند و جلو می‌برد. آنان دقیق کار می‌کنند؛ مثلا قبلا اجازه زدن بیمارستان را در بازی‌های‌شان نمی‌دادند؛ ولی از یک زمانی به بعد در تمام بازی‌ها اجازه زدن مسجد، بیمارستان، کلیسا و آنبولانس را دادند و به قوانینی که در عرف جوامع است اعتنایی نمی‌کنند.

احساس می‌کنم که ما بسیار بسیار کند حرکت می‌کنیم و با این شکل از حرکت نباید انتظار زیادی داشته باشیم. اگر امروز بذری کاشته شد و آبیاری شود و مراحل مختلف مدنظر را گذراند به برداشت خواهد رسید؛ اما وقتی بذری کاشته نشد و اقدامی صورت نگرفت، منتظر چه باید بود و چه محصولی درو خواهد شد؟

الان در جامعه ما در ارتباط با کودک و نوجوان مسایلی پیش می‌آید که شورای شهر باید جلسه فوری تشکیل دهد که شهرداری، استانداری، مساجد و... باید چه کاری انجام دهند؟ چرا وضع جامعه به‌گونه‌ای است که یک پسر بچه دست به قتل مادر خود بزند؟ این‌ها کجا تربیت شده‌اند؟ اینان در جامعه ما، در مدارس ما و به دست معلمان ما بزرگ شده‌اند. پس یک جای کارهای ما می‌لنگد. زمانی مسئولان نظام وقتی استان‌های مختلف را بازدید می‌کردند یکی از سوالات آنان این بود که در زندان‌های این استان چند مجرم وجود دارد؟ مثلا در یزد مجرمان کم‌تری وجود دارد و در یک استان دیگر تعداد بالایی و از این راه می‌فهمیدند که در یزد چیزی که توانسته است انسان‌ها را نسبت به کارهای خلاف، اشتباه و انحرافات نگه دارد، دیانت آنان است. در جامعه‌ای که خانواده‌ها متدین‌اند، بازدارندگی

بیشتری وجود دارد.

پایش: به نظر شما این نهادها، مانند نهاد خانواده،

مسجد و رسانه چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟

یکی از کارهایی که می‌توانند انجام دهند ارتقاء سطح دانش و آگاهی مخاطبین است. خانواده‌ها باید بدانند که اهمیت اسباب‌بازی در مراحل رشد کودک تا چه حد است؛ یعنی آیا اسباب‌بازی یک وسیله ساده و پیش پا افتاده برای آرام کردن بچه است یا چیزی فراتر از این است. امروزه در نظام آموزشی آمریکا به علوم تجربی، تکنولوژی، مهندسی و ریاضیات، هنر را نیز اضافه کرده‌اند. امروزه می‌بینید که اساس مبنای آنان اسباب‌بازی و سرگرمی جامعه ما این را می‌داند؟ وزارت آموزش و پرورش معلم ما این را می‌داند؟ اکنون در حال ارتقای دانش معلمان و مربیان و علاقه‌مندان حوزه اسباب‌بازی سرگرمی هستیم تا سطح نگرش آنان تغییر کند که

آموزش

است. آیا

آیا

و

ما

سطح

و

می‌دهید؟ یعنی درک مردم و جامعه ما از تحصیل و درس این است که باید یک کتاب دست گرفته شود، مشق و تمرین نوشته شود و معلم هم نگاه کند و خط بزند. اگر پیچیده‌ترین مسایل را برای دانش‌آموز بازگو کنند و بتواند حل کند و پیچیده‌ترین کاربراتور را به او بدهند و باز کند و بفهمد، این وقت تلف کردن و بازی است و به درد نمی‌خورد.

اسباب‌بازی چه جایگاهی دارد. خانواده‌ها باید بفهمند که اسباب‌بازی چیز پیش پا افتاده‌ای نیست و در دنیا به‌عنوان اصل و اساس نظام آموزشی مطرح است.

الان در کشور انگلستان اگر شما به کارهای معلم نگاه می‌کردید سریعاً به مدرسه زنگ می‌زدید و می‌گفتید این چه کاری است که می‌کنید؟ شما هر روز با بچه ما بازی می‌کنید پس چه زمانی درس



ما یک کلاس آموزشی در سازمان هوا فضا در تابستان پارسال گذاشته بودیم. یازده کلاس ایجاد شد و بچه‌ها ثبت نام کردند. این بچه‌ها مسایل تئوری هوا فضا را به صورت مقدماتی و خیلی مختصر و مفید فرا می‌گرفتند و بعد با چوب بالسا گلایدر می‌ساختند و آن را پرواز می‌دادند. مادری را دیدم که تشکر می‌کرد از این آموزشی که شروع کرده‌ایم؛ زیرا تا پیش از این فرزندش اصلاً سمباده دست نمی‌گرفت ولی الان سمباده می‌زند و به من می‌گوید: این قسمت از بال که من سمباده می‌زنم لبه حمله و قسمت عقب بال را لبه فرار می‌گویند. نیروی باد از زیر بال وارد می‌شود و ... آن مادر می‌گفت: تعجب می‌کنم از این که فرزند کلاس پنجم ابتدایی من، امروز هم کار می‌کند و هم برای من توضیح می‌دهد. هم علم آن را یاد گرفته و هم عمل می‌کند.

ما باید این کارها را انجام داده و بچه‌ها را به گونه‌ای تربیت کنیم که منطقی و استدلال داشته باشند و بتوانند آنالیز کنند، بتواند اجزا را از یکدیگر جدا کنند و تفسیر نمایند. علت این که فرزندان ما در برابر چالش‌های مقابل خود می‌ایستند، چیست؟ زیرا نمی‌دانند چه کاری باید انجام دهند و گیج هستند.

وقتی هواپیما را می‌سازد و پرواز می‌دهد، وقتی هواپیما سر می‌خورد و مرکز ثقلش درست است و خوب پرواز می‌کند برای او لذت‌بخش است. در دنیای امروز برای بزرگسالان مسابقات پرواز هواپیماهای کاغذی را گذاشته‌اند؛ یعنی همین هواپیمای کاغذی که با یک کاغذ دفترچه درست می‌کنید و پرتاب می‌کنید. ببینید چقدر علم پشت آن است. بزرگسالان می‌آیند و ۹ داور قضاوت می‌کنند. مردمی که آنجا نشسته‌اند می‌دانند این هواپیمایی که با کاغذ ساخته همین طوری تا نکرده و حواسش بوده که چه باید بکنند تا این هواپیما این طوری پرواز کند. آیا ما این‌ها را در جامعه داریم؟ حتی این حوزه‌ها را برای لذت بردن و کسب دانش ایجاد نکرده‌ایم. آنان این کار را کرده‌اند و موفق هم شده‌اند. این حوزه‌های ریاتیک و کلاس‌های خلاقیت و چیزهایی که در این یک دهه اخیر ایجاد شده و مدارس غیر انتفاعی به این سمت رفته‌اند، آن بذریه‌ای بود که پاشیده

شد. الان اگر دانشجویان دانشگاه شریف، علم و صنعت و امیر کبیر از خود خلاقیت نشان می‌دهند حاصل بذریه‌ای است که در مدارس غیر انتفاعی، کانون‌ها، فرهنگ‌سراهای شهرداری و... کاشته شد. اینان همان بچه‌هایی هستند که امروزه از دانشگاه‌ها بیرون می‌آیند و به سمت ماهواره، صنایع موشکی، هوافضا و علوم دانش بنیان می‌روند.

مدظله‌العالی که به حوزه دانش بنیان اشاره می‌کند می‌بینیم که بچه‌هایی که از این مسیرها گذشته‌اند آرام آرام وارد جامعه می‌شوند و نتایج آن محسوس است. مدظله‌العالی به این مسایل کاملاً اشراف دارند. وقتی از امام ع کردند: شما که می‌گویید جامعه اسلامی را ایجاد خواهیم کرد چطور ایجاد می‌کنید؟ ایشان فرمودند: ما سربازانی داریم که به دنیا آمده‌اند. گفتند: کدام سربازها و کجا هستند؟ فرمودند: در گهواره و قنடاق هستند.

الان در حوزه‌هایی مثل حفظ قرآن این همه مجموعه‌هایی که تربیت کرده‌اند را ملاحظه کنید. کسانی که حافظ یک جزء، نصف قرآن و یا کل قرآن هستند. این‌ها یقیناً در جامعه تأثیر می‌گذارد همان گونه که در حوزه دینی و مذهبی، در حوزه‌های فنی و... تأثیر خود را گذاشته است. شما در همین دهه‌ای که گذشته است کشورهای عربی را با ایران مقایسه کنید. آیا آن‌ها توانسته‌اند در حوزه علم یازده برابر علم دنیا پیش بروند؟ آیا توانسته‌اند یک ماهواره پرتاب کنند که به دور زمین بچرخد؟ ما را تحریم کرده و محدود می‌کنند و یک مقدار آن سرعت را گرفته‌اند و گرنه اگر ما با آن سرعتی که در چند سال پیش حرکت می‌کردیم، حرکت می‌کردیم الان خیلی جلوتر بودیم. مدظله‌العالی نگران بودند که نگذارید سرعت علم کاهش پیدا کند. آن‌ها می‌خواهند ما را محدود کرده و کنترل نمایند. در همین حوزه هسته‌ای سعی کرده‌اند ما را به گونه‌ای محدود کنند که نتوانیم به سراغ طراحی، ساخت و استفاده از نسل‌های بعدی سانتریفیوژ برویم.